

جایگاه پیشگیری ثانویه در قانون حمایت از اطفال و نوجوانان

(تاریخ دریافت ۱۴۰۰/۰۴/۱۵، تاریخ تصویب ۱۴۰۰/۰۹/۱۸)

حسین علی ملایی^۱

رضا علیزاده سرخایی

چکیده

یکی از قوانینی که در دوره های مختلف، انسان به تکمیل آن پرداخته، قوانین مرتبط با پیشگیری از جرایم اطفال و نوجوانان بزهکار بود. اطفال در زمره گروه های آسیب پذیری هستند که در اکثر نظام های حقوقی تحت نظام حمایتی خاص قرار گرفته و از آن ها به طور ویژه حمایت به عمل می آید. این حمایت مختص حقوق ملی نبوده و در نظام بین المللی حقوق بشر نیز مطرح می شود. حمایت مزبور در تمام زمینه های حقوق و تکالیف آنها جاری بوده و در زمینه کیفر و ارتکاب جرایم نیز باید همچنان ادامه داشته باشد. آنچه انسان را به وضع قوانین خاص و مرتبط با اطفال و نوجوانان واداشته جمعیتی بود که آنان به عنوان قشری از جامعه آن را تشکیل می دادند البته برای وضع قوانین مختص اطفال، انسان زمان زیادی را طی نمود و به آسانی به این مهم دست نیافتیکی از چالش های اصلی در بحث ورود مجرم به چرخه عدالت کیفری، تکرار جرم است. از این جهت، شناخت عوامل مؤثر در وقوع جرائم ثانویه و پیشگیری از آن ضروری است. یکی از مهمترین موضوعات قابل بررسی عمل به قوانین حمایت از اطفال و نوجوانان در جهت پیشگیری از جرائم ثانویه آنان است، که در این نوشتار به مسئله پیشگیری از جرائم ثانویه در پرتو عمل به قوانین حمایتی اطفال و نوجوانان، پرداخته شده است.

واژگان کلیدی: پیشگیری ثانویه، اطفال، نوجوانان، قانون، جرم، مجازات

^۱ نویسنده مسئول

مقدمه

جوامع بشری در هر شرایطی به همزیستی مسالمت آمیز با همنوعان خود نیازمند هستند. آنچه مسلم است تا امروز به دلیل اختلافات زیربنایی و ریشه ای مختلفی از جمله در مسائل عقیدتی، فرهنگی و مذهبی و در عین حال تفاوت هایی که در معیارهای سنجش ارزش ها در حیط های گوناگونی وجود داشته، یک توافق و تفاهم عمومی و جهان شمول استقرار نیافت است. وانگهی، تمام انسان ها از هر قوم و قبیله، نژاد و مذهب، دین و عقیده اتفاق نظر دارند که یکی از محوری ترین اعمال فردی و اجتماعی، تربیت و هدایت درست کودکان برای آینده می باشد. اقدامی که شرط ضروری و انکار ناپذیر رشد و ترقی جامعه ی انسانی تلقی می شود. کودکان و نوجوانان سرمایه های معنوی جامع می باشند و سلامت روح و جسم آن ها تضمین کننده ی سلامت جامع در آینده است. بنابراین مسائل آنان از جمله مسائلی است که باید به آن ها توجه ویژه ای مبذول داشت. بررسی ریشه ای مسائل اطفال و از آن جمله بزهکاری اطفال، برای رسیدن به یک جامعه ی ایده آل شرطی ضروری است. در واقع از قدیم الایام گفته اند، پیشگیری بهتر از درمان است. طبعاً اگر طفلی به هر دلیلی از ابعاد جسمانی، روانی و رفتاری به نقصان و یا انحرافی مبتلا گردد، قهراً بازپروری وی مستلزم صرف هزینه های هنگفت و مضاعفی خواهد بود. از طرف دیگر بسیاری از افرادی که همواره مرتکب جرایم گوناگون می شوند، همان کودکان بزهکار دیروز هستند. از جمله مسائل همیشگی و مطرح نزد اندیشمندان و بالاحص حقوقدانان و جرم شناسان، موضوع بزهکاری اطفال و نحوه مقابله با آن و شیوه های انحراف و کجروی آن ها در جامع می باشد. از آن جا که دلایل و عوامل بروز جرم در میان اطفال با افراد بزرگسال متفاوت بوده و از سوی دیگر این طبقه از جامع دارای وضعیت روانی و اجتماعی حساس تر و به مراتب آسیب پذیرتری نسبت به سایرین می باشند، لذا باید روشی متناسب با شرایط و موقعیت این افراد اتخاذ شود. این روش تحت عنوان پیشگیری ثانویه از جرایم اطفال و نوجوانان اهمیت فراوانی دارد. برخورداری از یک سیاست جنایی و کیفری متناسب با شرایط و وضعیت صغار و نوجوانان می تواند به جامعه مدنی جهت پیشبرد یکی از اهدافش که پیشگیری ثانویه از وقوع جرایم در آینده است، کمک فراوانی کند.

بخش اول: بیان مسئله

امروزه تقریباً در هم جای دنیا تمایز بین اطفال و بزرگسالان در زمینه های مختلف اخلاقی، آموزشی، بهداشتی، روانشناسی و... مشاهده می شود. یکی از موارد تمایز، تمایز در برخورد کیفری است. و تقریباً این به عنوان یک اصل مورد توجه است و علت آن نیز در تفاوت هایی است که هم از جهت جسمی و هم از جهت روحی و فکری بین اطفال و بزرگسالان وجود دارد. توقعات دولت ها از افراد بزرگسال برای رعایت قانون، زمانی یک توقع صحیح و بجا است که همین افراد بزرگسال در دوران طفولیت، آموزش و تربیت لازم را دیده باشند و حتی اگر این توقع در دوران طفولیت و نوجوانی نیز مطرح گردد، مستلزم آموزش صحیح اطفال و نوجوانان است^۱ زیرا تا زمانی که وظیفه اطلاع رسانی و افزایش آگاهی به خوبی انجام نشده، انتظار مراعات هنجارهای اجتماعی نیز درست نیست. قوانین ماهوی مرتبط با اطفال و نوجوانان قوانین مرتبط با سن، جنس دارای ظرافت و دقت خاصی است. به دلیل ظرافتی که اطفال در جنبه های مختلف سنی، فکری، تربیتی و... دارند. پس قرار دادن آنها نیز در سیستم عدالت کیفری سؤال برانگیز است. و جز در موارد استثنایی و به هدف بازپروری و نه برای اهداف سزادهی نباید موضوع سیستم عدالت کیفری قرار بگیرند. آنچه پدیده انحراف و بزهکاری اطفال و نوجوانان را از قلمرو بزهکاری سایر افراد جدا می سازد، عامل سن است. بروز رفتارهایی از اطفال و نوجوانان در مقایسه با بزرگسالان که حکایت از ناسازگاری آنان با هنجارهای مقرر در محیط خانواده، مدرسه و اجتماع داشته باشد، به مراتب حساسیت روان شناسان، جرم شناسان و به طور کلی متولیان تدوین سیاست جنایی جامعه را بیشتر بر می انگیزاند. علت این امر آن است که بی تفاوتی یا اعمال پاسخ نامناسب و نسنجیده در قبال انحراف و بزهکاری اطفال و نوجوانان، امکان مزمن و پایدار شدن بزهکاری را در آنان به وجود می آورد و این امر موجب می شود تا آنان دیرتر به دوران بازنشستگی جنایی نائل شوند. به منظور جلوگیری از این حالت اقدامات پیشگیری زودرس (رشد مدار) می تواند با بهبود محیط آنان یا با دور کردن آنان از محیط نامساعد، عزت نفس، رفتار و تفکرات آنان را متحول کند به گونه ای که این اطفال و نوجوانان ادامه ی روند جامع پذیری خود را در شرایط مناسب طی کرده و در آینده (پیشگیری ثانویه) در معرض خطر بزهکاری و

^۱ - بیات، بهرام. (۱۳۸۸). جامعه شناسی احساس امنیت، تهران: انتشارات امیرکبیر ص ۱۵

رفتارهای ضد اجتماعی قرار نگیرند.^۱ بنابراین مدرسه نیز به عنوان اولین واحد اجتماعی است که به صورت رسمی وظیفه‌ی آموزش، تعلیم و تربیت فرد را به عهده دارد و به نوعی در پیشگیری ثانویه موثر است. این نهاد پس از خانواده، بیشترین نقش را در سازگاری فرد با هنجارهای اجتماعی و جامعه پذیری بر عهده دارد و می‌تواند به اطفال و نوجوانان کمک کند تا صلاحیت‌ها و مهارت‌های اخلاقی را به دست آورند و به منزله‌ی یک شهروند احساس مسئولیت کنند و به تبع آن می‌تواند آگاهی‌های مورد نیاز راجع به قانون مداری، بزهکاری، پیشگیری ثانویه از بزهکاری اطفال و نوجوانان، به عنوان رکن مهم سرمایه انسانی هر جامعه، یک جزء مهم از پیامدهای آن و راه‌های جلوگیری از ارتکاب جرم را به دانش آموزان بیاموزد.

برهمن اساس بیان شده است که در سیاست جنایی کشورها برنامه‌ی خاصی برای پرورش هرچه صحیح‌تر این افراد، شکوفایی استعدادها و آنان، جامعه پذیر نمودن و پر کردن اوقات فراغت آنان، ایجاد فرصت‌های آموزشی و شغلی و حتی آموزش خانواده‌ها در مورد چگونگی ایجاد ارتباط با فرزندان‌شان پیش‌بینی و اجرا می‌شود و برای پیشگیری ثانویه از بزهکاری اطفال و نوجوانان راهکارها و برنامه‌هایی را به تصویب رسانده‌اند.

بخش دوم: اهداف تحقیق

بررسی پیشگیری ثانویه از بزهکاری اطفال و نوجوانان از منظر حقوق اطفال و نوجوانان
تبیین و بررسی راه‌های قانونی برای پیشگیری ثانویه از بزهکاری اطفال و نوجوانان منظر حقوق کیفری

بررسی قوانین کیفری در مورد پیشگیری ثانویه بزهکاری اطفال و نوجوانان

بخش سوم: سوالات تحقیق

۱- در حقوق کیفری ایران برای پیشگیری ثانویه از بزهکاری اطفال و نوجوانان چه قوانینی وجود دارد؟

^۱-پیکازرز(۱۳۸۶). «جرائم و شهرنشینی»، ترجمه: عزیز طوسی، ماهنامه دادرسی، ش ۲، ص ۴۲

۲- پیشگیری ثانویه از بزهکاری اطفال و نوجوانان چه مواردی می باشد؟

بخش چهارم: فرضیه های تحقیق

- برای پیشگیری ثانویه از بزهکاری اطفال و نوجوانان در حقوق کیفری، و قانون حمایت از اطفال و نوجوانان ایران به صوت پراکنده در برخی از قوانین و همچنین به طور جداگانه در مواردی از قبیل قانون حمایت از کودکان نوجوانان مصوب ۱۳۸۱ و قانون حمایت از کودکان و نوجوانان بی سرپرست و بدسرپرست مصوب ۱۳۹۲ تمهیداتی اندیشیده شده است.

- مهمترین مصادیق پیشگیری ثانویه از جرایم اطفال کنترل ازهم گسیختگی خانواده، اعتیاد، محیط زندگی، مدرسه و همسالان می باشد

بخش پنجم: روش تحقیق

در این پژوهش روش تحقیق به صورت توصیفی- تحلیلی می باشد همچنین از روش کتابخانه ی برای گردآوری اطلاعات مربوط به موضوع مورد بحث استفاده خواهد شد و نیز از سایت ها معتبر و مقالات و کتابخانه ها و نظرسا تید محترم هم برای تکمیل این پژوهش استفاده خواهد شد

بخش ششم: بررسی و تحلیل و تعریف پیشگیری ثانویه

پیشگیری ثانویه یعنی به کارگیری شیوه هایی برای حمایت از افراد در آستانه خطر. مانند: معتادان، ولگردان و کودکان بی سرپرست و خیابانی در این نوع پیشگیری، هدف آن است که با به کارگیری تدابیر مناسب و زود هنگام، از وقوع جرم توسط افرادی که در شرایط بحرانی به سر می برند و احتمال بزهکاری از سوی آنها وجود دارد پیشگیری شود.^۱ به طور مثال، در پیشگیری از اعتیاد، تمرکز تلاش ها بر روی افرادی است که به صورت تفریحی مبادرت به مصرف مواد می کنند و هنوز به درجه اعتیاد نرسیده اند. همچنین کودکانی که در خانواده های از هم گسیخته و محله های فقیرنشین در وضعیت نامناسبی زندگی می کنند، یا جوانانی که خشونت را در خانه هایشان تجربه کرده اند احتمال بزهکاری و مجرم شدن آنها بیشتر از سایرین می باشد. این نوع پیشگیری شامل آن دسته از تدابیر و اقدام هایی

^۱ - رجایی پور، محمود. (۱۳۸۲). «راهبرد پیشگیری اجتماعی از جرم»، فصلنامه دانش انتظامی، سال پنجم، شماره دوم ص ۷۵

است که با مداخله در فرآیند رشد افراد، بهبود شرایط زندگی آنها و سالم سازی محیط اجتماعی و طبیعی، به دنبال حذف یا کاهش علل جرم زا و در نتیجه پیشگیری از بزهکاری است

. به اعتقاد گسن، این نوع پیشگیری به این دلیل پیشگیری اجتماعی گفته می شود که حاصل تجربیات پیشگیری مددکاران اجتماعی بدون مداخله بحث های پلیس و دادگستری و معطوف به مبارزه ناسازگاری جوانان بزهکار و محیط رشد آنان است^۱ یکی از اهداف این نوع پیشگیری، کاهش یا از بین بردن علل جرم زا در محیط اجتماعی است؛ و اصولاً برای تغییر شرایطی که به وقوع بزهکاری در اجتماعات محلی و مسکونی کمک می کند، طراحی شده است. تأسیس مکان های تفریحی و پارک ها برای تفریح، تأسیس مراکز آموزشی، پرورشی، فرهنگی، ایجاد درآمد زایی و اشتغال زایی در محله ها، تقویت باورهای دینی از طریق فعال کردن مؤثر و مناسب مراکز مذهبی محلی، تشکیل پلیس محلی گسترش تجهیزات و تدابیری چون باشگاه های ورزشی جوانان و پروژه های مبتنی بر فعالیت ها در جهت منصرف کردن مجرمان بالفعل و بالقوه از خطاهای آینده، از مصادیق این نوع پیشگیری می باشد.

هدف دیگر در پیشگیری اجتماعی، هماهنگ سازی اعضای جامعه با قواعد اجتماعی بوده و محور اقدامات این پیشگیری نیز «فرد» می باشد. به بیان دیگر، پیشگیری اجتماعی همانند پیشگیری کیفری، مجرم مدار و فرد مدار است و از طریق: آموزش، ترغیب، تربیت و تنبیه درصدد آن است تا معیار شناخت اعمال خوب و بد را به فرد القاء کند و قدرت ارزش یابی عملکرد خویش را به او بدهد. نکته اساسی در این مدل از پیشگیری عبارت است از: تخصص، اندیشه و تلاش مضاعف؛ زیرا به دلیل گستردگی و پیچیدگی موضوع ممکن است با وجود سرمایه گذاری های هنگفت و کلان، نتیجه مورد نظر در کاهش جرم حاصل نشود. پیروان این نوع پیشگیری بر این عقیده اند که از طریق شناخت علل ارتکاب جرم اعم از: فردی و اجتماعی و برطرف کردن آنها با انجام اصلاحات فردی و اجتماعی مثل: درمان بیماری ها و نارسایی های جسمی و روحی و بالا بردن ارزش های اجتماعی و تقویت نهادهای اجتماعی و تعالی فرصت های اقتصادی، تحصیلی، تفریحی، مسکن و غیره می توان از تمایلات مجرمانه در افراد جلوگیری کرد. در حقیقت پیشگیری اجتماعی مجموعه اقدام هایی است که مهار

^۱ - صفاری، علی، (۱۳۹۴) مبانی نظری پیشگیری وضعی از جرم، مجله تحقیقات حقوقی دانشگاه شهید بهشتی، شماره های ۳۴-ص ۱۶.

عوامل اثرگذار در شکل‌گیری جرم را به دنبال دارد؛ و از آن‌جا که علاوه بر محیط اجتماعی، بر فرد و انگیزه‌های او نیز تأثیر می‌گذارد؛ برخی به آن «پیشگیری فردمدار (Individual-Based Prevention)» نیز می‌گویند.^۱ یکی دیگر از اهداف پیشگیری اجتماعی، تقویت بنیادهایی است که با اثرگذاری بر گروه‌های در آستانه خطر، به جامعه‌پذیری فرد کمک می‌کند. به دیگر سخن، پیشگیری اجتماعی به دنبال هم‌نوا کردن فرد با قواعد اجتماعی از رهگذر آموزش و پرورش است. آنچه دست‌اندرکاران این نوع پیشگیری باید انجام دهند، بیرون بردن هر چه بیشتر افراد از نظام کیفری است. به طور کلی، پیشگیری اجتماعی تلاشی برای حل مسائل رفتار مجرمانه با پرداختن به ریشه‌های جرم است و تدابیری را دربرمی‌گیرد که بر زمینه‌های ارتکاب جرم از رهگذر مسائل اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی مؤثرند. به همین سبب، پیشگیری اجتماعی بهترین توصیف از پیشگیری نخستین به شمار می‌رود.

بند اول: تعریف طفل و نوجوان

در لغت فارسی طفل به معنای بچه، کودک، نوزاد، خردسال، خرده و ریزه از هر چیزی می‌باشد و جمع آن اطفال است. واژه دیگری که در این معنی به کار می‌رود و از عربی به فارسی آمده است، در معنای کودکی که به احتلام نرسیده است این که هم به صورت فعل نیز در زبان عربی به کار رفته است و به معنای ذوق زده شدن و کارهای کودکان انجام دادن می‌باشد صبی مفرد بوده و جمع آن صبیان است. که مصدر نیز از واژه‌های مترادف طفل است. صغیر در لغت به معنای فرد کوچک، کم‌سال، کم‌سن و در مقابل کبیر می‌باشد و جمع آن صغار است. گذشته از مفاهیم لغوی در نظام حقوقی هر کشوری علی‌الصول طفل یا صغیر دارای تعریف معینی است که البته بین این تعاریف اختلافاتی وجود دارد.^۱ هرچند در سال‌های اخیر تلاش‌هایی بین‌المللی در نزدیک ساختن این تعاریف اعمال شده است، در اعلامیه جهانی حقوق کودک سال ۱۹۵۹ راجع به حقوق کودک مطالب مهمی ذکر گردیده است ولی تعریف مشخصی از کودک در آن دیده نمی‌شود. در گزارش

^۱ - پرویزی، رضا، (۱۳۸۱) پیشگیری وضعی و نقش آن در پیشگیری از قتل؛ پایان‌نامه کارشناسی ارشد؛ دانشگاه آزاد اسلامی واحد

تهران مرکز ص ۵۵

^۱ - نجفی ابرندآبادی، علیحسین، (۱۳۹۲) تقریرات درس جرم‌شناسی، دوره‌ی کارشناسی ارشد، مجتمع آموزش عالی قم، ص ۳۷

دبیر کل سازمان ملل متحد در دهه ۱۹۶۱ بدون این که تعریفی از کودک شده باشد کودکان در یکی از طبقات زیر قرار گرفته اند و از هم متمایز می شوند

نوجوانی، مرحله گذار رشد فیزیکی و روانی انسان است که میان کودکی و جوانی روی میدهد. این گذار، تغییرات زیستی (بلوغ جنسی)، اجتماعی، و روانشناختی را در بر میگیرد، هرچند که از میان اینها تنها تغییرات زیستی و روانشناختی را میتوان به آسانی اندازه گیری کرد.

در لغت به انسان، پیش از بلوغ یا انسان نابالغ گفته می شود^۱ اما در اصطلاح روان شناسی، طفولیت در برگیرنده دورانی است که از اوایل خردسالی شروع و در زمانی که فرد، واجد شخصیت اجتماعی می شود و از لحاظ جسمی و روانی نضج می گیرد، پایان می یابد.

بند دوم: اهمیت پیشگیری ثانویه از بزهکاری اطفال و نوجوانان

موضوع بزهکاری اطفال و نوجوانان، خود را به عنوان یکی از مسائل بغرنجی که برای تمام جوامع، مشکل آفرین می باشد، مطرح کرده است. افزایش تعداد کودکان و نوجوانان - خصوصاً در جامع جوانی مانند ایران، بالا رفتن نرخ طلاق و از هم پاشیدگی خانواده ها، معضلات و مشکلات اقتصادی، فیلمها و کتاب های انحرافی، سهولت امر حمل و نقل و مسافرت به شهرهای بزرگ، تضعیف باورهای مذهبی و اخلاقی در نوجوانان و بسیاری از عوامل دیگر، موجب افزایش نرخ بزهکاری در میان کودکان و نوجوانان در بسیاری از کشورهای جهان شده است. با این وضعیت ما در آستانه بحران بزهکاری اطفال قرار داریم و این واقعیتی، غیر قابل انکار است که بزهکاری اطفال به مساله حادی برای جامعه جوان ما تبدیل شده است. در کنار اینها مساله استفاده بزرگسالان از کودکان به عنوان ابزار فعالیت های خلاف قانون نیز وجود دارد کودکان بدین ترتیب، لازم است این گروه از بزهکاران را شناخت و بهترین روش های پیشگیری که روش ثانویه نام دارد به آنها را پیدا کرد تا در آینده بتوانند نقش موثری در جامع ایفا نمایند نه اینکه خطرناک ترین مجرمین علیه جامع باشد. اعلامیه جهانی حقوق کودک ۱۹۵۹ در اصل دوم، بر لزوم وضع قوانین حمایتی برای اطفال اشاره کرده و سپس در اصول چهارم، پنجم، ششم و نهم بر لزوم توسعه اقدامات حمایتی در مورد

^۱ - دهخدا، علی اکبر. (۱۳۳۰). لغتنامه فارسی، ج ۱۳، تهران: انتشارات گلشن ص ۲۸۵

اطفال و خانواده های آنان به ویژه بر رسی دولت تاکید می کند. کنوانسیون حقوق کودک نیز با توجه به وضعیت خاص اطفال و نوجوانان به کشورهای عضو توصیه می کند که شرایطی را به وجود آورند تا زندگی با معنایی برای اطفال و نوجوانان در جامع تامین شود و در طول دوره ای از زندگی که بیشتر اطفال و نوجوانان، مستعد قرار گرفتن در معرض رفتارهای انحرافی هستند، فرایندی از پیشرفت شخصی و آموزش و پرورش می کنند که تا حد ممکن به دور از جرم و بزهکاری باشد برای شان فراهم گردد. همچنین تاکید می کند که باید توجه خاص به نوجوانانی که در معرض خطرات اجتماعی قرار دارند، توسط نظام آموزش پرورش گسترش یابد و نیز توجه به وضعیت خاص اطفال باید در تشکیلات قضایی نوجوانان، منعکس شود

بخش هفتم: انواع بزهکاری قابل پیشگیری ثانویه اطفال و نوجوانان

به طور کلی دو نوع اعمال بزهکارانه از کودکان و نوجوانان سر می زند اول جرم به معنای فعل یا ترک فعل پیش بینی شده در قانون، در صورتی که نوجوان ۱۷ سال و کمتر مرتکب اعمالی شوند که اگر بزرگسالان هم همان آن اعمال را انجام دهند مجرم هستند، در معرض مداخله قانونی قرار می گیرند، مثال نوجوانانی که به قتل، سرقت، تخریب ساختمان ها، دزدی از مغازه ها و فروشگاه ها دست می زنند و یا به مصرف موادمخدر می پردازند.^۱ خطردستگیری توسط پلیس، بازداشت در مکانی که منحصر به مجرمین اختصاص دارد، رای دادگاه کودکان و نوجوانان مبنی بر بزهکار بودن و در نهایت اعزام به یک موسسه اصلاحی - تربیتی ویژه مجرمین نوجوان در انتظار آنها خواهد بود. بر حسب سن و نوع جرم ارتكابی حتی نوجوانان ۱۷ سال و کمتر نیز ممکن است بطور استثنایی در دادگاه کیفری بزرگسالان و همانند آن ها تحت محاکم و مجازات قرار گیرند. اینها متخلفان غیرقابل مهار خطرناکترین و سابق دارترین متخلفان جوان هستند. بنابراین نوجوانان بزهکار با همان قوانین و برخی از همان واکنش های قانونی مواجه هستند که مجرمین بزرگسال آنها روبرو می شوند.^۱

^۱ - خانعلیپور واجارگاه، سکینه، (۱۳۹۰) پیشگیری فنی از جرم، میزان، چاپ اول، ص ۲۴۶

^۱ - گسن، ریمون، (۱۳۷۰) روابط میان پیشگیری وضعی و کنترل وضعی و کنترل جرم، مترجم: علی حسین نجفی ابرندآبادی، مجله

دوم: نوجوانان در صورتی که مرتکب بزه های ویژه کودکی شوند در معرض مداخله قانونی قرار می گیرند. این ها مجازات هایی هستند که فقط نسبت به کودکان و نوجوانان اعمال می شوند و در صورتی که توسط بزرگسالان انجام گیرد مجرم نیستند.

بند اول: بزه های ویژه کودکی

جرایم غیر شاخص یا بزه های ویژه کودکی عبارتند از: فرار از خانه، عدم اطاعت از والدین، فرار از مدرسه و عدم اطاعت از معلمان، مصرف سیگار و مشروب، نقض قانون منع رفت و آمد، همراهی با دوستان ناباب، شرکت در فعالیت های جنسی و غیراخلاقی، استفاده از کلمات رکیک، رفتار آشوبگران. برخی بزهکاری را به چهار دسته تقسیم کرده اند ویندالیسم، خشونت و پرخاشگری، دزدی و تقلب و کجروی های فرهنگی و در ویندالی سهم شاخص های تخریب و سایل عمومی شهر و تخریب و سایل مدرسه و تخریب و سایل خانه در نظر گرفته اند درخشونت و پرخاشگری درگیری خیابانی و درگیری در مدرسه، تهدید و ترساندن دیگران قلدری را مورد توجه قرار داده اند. دزدی و تقلب را شام دزدی از خانه، برداشتن وسایل مغازه، نپرداختن پول بلیط و تقلب در امتحانات و شاخص های کجروی فرهنگی را شامل فرار از مدرسه، غیبت از مدرسه، مزاحمت تلفنی، سیگار کشیدن، دیر برگشتن به خانه، پوشش نامناسب در مدرسه، بی احترامی به معلم دانست که می تواند موجب بروز جرایم دیگر شود و لذا پیشگیری ثانویه را طلب می نماید همچنین از جمله بزه های شایع در میان مددجویان کانون اصلاح و تربیت می توان به موارد زیر اشاره کرد: سرقت اموال مانند کیف پول، موبایل، موتور سیکلت، سرقت از لباس فروشی یکی از رایج ترین اتهامات اطفال و نوجوانان اصلاح و تربیت است.

بند دوم: پیشگیری ثانویه از درگیری و دعوا

در بین پاس دهندگان اطفال و نوجوانان کانون اصلاح و تربیت از ۵۱ نفر پاسخگو ۱۲ نفر یعنی بیست و چهار درصد به اتهام دعوا و کتک کاری با همسن و سال خود وارد کانون اصلاح و تربیت شده بودند. این درصد از اتهامات پاس دهندگان نشان دهنده وجود مشکلات خلقی کودکان و نوجوانان و عدم توانای در مدیریت خشم و عصبانیت و عدم آگاهی راجع به جایگزین هایی برای رفتار خشونت آمیز و پرخاشگران و اتخاذ تصمیم های خوب در شرایط تحریک آمیز است. اگر به موقع

مورد پیشگیری ثانویه قرار گرفته بودند می توانست به الاح آن ها بیانجامد^۱ علاوه بر این ممکن است خیلی از افراد بخصوص خردسالان به آن حد از توانایی و رشد عقلی نرسیده باشند که بتوانند در مواقع بروز خشم و هیجان های صنفی با کنترل و مدیریت خشم خود جایگزین مناسبی برای آن پیدا کنند بنابراین پیشنهاد شده است برای کاستن از عصبانیت نسبت به دیگران مهارت ها و تکنیک هایی برای جلوگیری از به وجود آمدن و وضعیت های عصبی و خشن به نوجوانان آموخته شود و و راه حل های دو ستانه و مسألت آمیز برای حل تعارضات پیشنهاد می شود که تحت عنوان پیشگیری ثانویه نام گرفته اند

بند سوم : پیشگیری ثانویه در استفاده از مشروبات الکلی و مواد مخدر

از جمله جرایم شایع در بین اطفال و نوجوانان استفاده از مشروبات است این نوع جرم از جرایمی است که اطفال و نوجوانان پیشتر تأثیر را از گروه همسالان و حتی غیر همسالان مانند پدر، برادر و عمو می پذیرند در این مورد می توان به نظریه معاشرت ادوین ساترلند اشاره داشت که معتقد است رفتار مجرمان از طریق ارتباط و هم نشینی با الگوهای جایی که در دسترس و قابل قبول بوده و در محیط زندگی فرد مورد تشویق می باشد آموخت می شود. البته در این مورد علاوه بر نقش محیط زندگی مانند محله یا مدرسه نباید از نقش خانواده ها در پیشگیری ثانویه و کنترل کودک و نوجوان غافل ماند. خانواده ای که از مهارت فرزند پروری برخوردار باشد طوری با قاطعیت بانوجوان در خطر و در معرض مشروبات الکلی و مواد مخدر برخورد می کند که نه تنها کودک از خانه و اعضای آن رانده نشده و به دامان افراد ناپاک و فرصت طلب ولذت های خطرناک پناه نمی برد بلکه ضمن ترس از توبیخ شدن در خانه با تعلیماتی که در خانواده او یاد داده اند مانند در جوار دوستان و همسالان و اطرافیان معتاد یا الکلی را برای خود ننگ دانسته و مانع رسیدن به اهداف مورد نظر خود می داند البته این مهم در صورتی به دست می آید که خود اعضای خانواده از مصرف کنندگان این گونه مواد نباشند. هدف از این کار محافظت از مرتکبان بزه های ویژه کودکی است که آن ها جوانانی دچار مشکل با نیازها و مشکلات خاص خود هستند. امروزه بزهکار جوانان شیانه از برجسب جامعه و مسئولین برقراری نظم و امنیت جامعه با اشکال نوینی از بزهکاری نوجوانان مواجه

^۱ - عیدی، توحید. (۱۳۸۳). «تبیین رویکرد جامعه محوری پلیس»، فصلنامه دانش انتظامی، شماره چهارم، ص ۱۲

اند که با اشکال سستی آن کاملاً متفاوت است. چر که با جوانانی مواجهند که بی هویت، غیراجتماعی، بی تمدن و غیر اخلاقی هستند

بخش هشتم: اسباب پیشگیری ثانویه از بزهکاری اطفال و نوجوانان

پیچیدگی ماهیت بزهکاری پیشگیری ثانویه را نیز مشکل می کند و رهیافت های چندگانه ای را که می طلبد که کلیه عوامل خطرزا را در نظر بگیرد. از دیدگاه بهداشت عمومی در پیشگیری ثانویه از بزه، استراتژی ها و مداخله ها در سه سطح کلی همانند سایر مسائل بهداشتی و اجتماعی و فرهنگی طبقه بندی میشود. این سه سطح شامل پیشگیری نوع اول یا اولیه پیشگیری نوع دوم یا ثانویه و پیشگیری نوع سوم یا ثالثیه است که بر اساس سطوح مختلف برای هر جامعه ها متغیر است

بخش نهم: ایجاد یک محیط سالم

در پیشگیری اولیه به ریشه مسئله و عوامل خطرزای محیطی توجه میشود. این نوع پیشگیری سعی بر آن دارد که امکان درگیر شدن با مسئله طوری پیش برود که هرگز محلی برای رشد مسئله وجود نداشته باشد. به همین علت استراتژی های برنامه ضرورتاً طوری انتخاب میشوند که نوبت به پیشگیری ثانویه نباشد که بتوانند عوامل مخاطره آمیز را کاهش دهند، وضع قوانین که بعضی از محدودیت ها را ایجاد میکنند از آن جمله اند^۱. برای مثال در جامعه های که حمل اسلحه آزاد است، این آزادی خود یک عامل خطرزای امکان درگیر شدن با مسئله بزه است. بنابراین منع حمل اسلحه یکی از استراتژی ها در آن جامعه خواهد بود.

بند اول: کاهش عوامل خطرزا

در پیشگیری ثانویه هدف کلی دور نگهداشتن فرد از فعالیت هایی است که خطر بر چسب بزه را در فرد تقویت میکند. مثل کنترل خشم و خشونت، کنترل های خانواده بر رفتارهای ضداجتماعی و دوری از دوستان بزهکار. پیشگیری نوع دوم نیز مانند پیشگیری نوع اول استراتژی های برنامه ریزی خود را بر اساس یافته های پژوهش ها طرح میکند و تأکید زیادی بر فرد و یا ارتباطات فرد دارد. به همین جهت استراتژی های پیشگیری نوع دوم از طریق یادگیری مهارت های زندگی اجتماعی از یک طرف و

^۱ - نجفی ابرندآبادی، علیحسین، (۱۳۸۷) بزهکاری و پلیس محلی مجله تحقیقات حقوقی دانشگاه شهید بهشتی، شماره های ۲۶-۲۸

محیط اجتماعی و ارتباطات فردی از طرف دیگر تأکید می کند. اهمیت این سطح به عنوان سطح پیشگیری کمک به افراد در معرض خطر است^۱

بند دوم: کنترل موقعیت خطر

پیشگیری ثانویه سعی می کند موقعیت مسئله را اصلاح و یا در آن مداخله کند و هدف آن پیشگیری از تکرار فعالیت هایی است که جرم شناخته میشود. برای این نوع پیشگیری لازم است درگیر مسائلی مانند تنبیه، جریمه و بازتوانی از طریق نظام حقوقی و قضا شود. پیشگیری ثانویه برنامه ریزی مداخله‌ای و اداره موقعیت های خطرناک را بر اساس فعالیت هایی تنظیم میکند که ممکن است باعث بزهکاری شوند. در حال حاضر روش های رفتاری بیشترین تاثیر را در درمان بزهکاران دارد در این روش، به رفتار مناسب به نحوی سیستماتیک پاداش می دهند،^۲ مثلاً با ژتون هایی که نوجوان می تواند آنها را با چیزهای دیگر تاخت بزند، به رفتار نامناسب هیچ پاداشی تعلق نمی گیرد و ممکن است عواقب ناخوشایندی مانند از دست دادن بعضی از امتیازات داشته باشد. روش های رفتاری را می توان در کانون های اصلاح، در مدرسه یا برنامه های محلی یا در خانواده به کار برد. هر چند مواردی هست که نشان دهد تنها راه عملی به خصوص در مورد مجرمان حرفه ای، نگهداری آنان در کانون های بزهکاری است، ولی در بسیاری از موارد حکم های تعلیقی و آزادی مشروط و اخطار رسمی پلیس از لحاظ میزان بزهکاری دست کم تاثیری برابر یا تاثیر نگهداری نوجوانان در کانون های اصلاح دارد. در واقع چندین مطالعه نشان داده است که چنین برخوردهایی با نوجوانانی که اولین بار مرتکب جرم می شوند باعث کاهش جرائم آنان می شود. شواهدی کافی در دست است که نشان می دهد که زندانی شدن بزهکاران در کانون های اصلاح معمولاً وضع را بدتر می کند این گونه موسسات جوان را دچار مشکلات روانی می کند و یا تجارب تلخی مواجه اش می کند با تجاربی که غالباً شامل سوء استفاده جنسی و بدنی از سوی سایر همسالان و بزرگسالان است. این گونه موسسات هیچ گونه کمک روانی، تربیتی یا شغلی فراهم نمی کنند و اگر هم بکنند بسیار کم است. این گونه موسسات بیشتر نوجوانان را آماده می کنند تا در آینده جنایتکار شوند از میان کسانی که قبلاً در این موسسات بوده اند بین ۶۰ تا ۷۰ درصد شان مجدداً دست به ارتکاب جرم می زنند با آنکه روش های مختلف برای

^۱ - شاکری، ابوالحسن. (۱۳۸۲). «قوه قضاییه و پیشگیری از وقوع جرم»، مجموعه مقالات پیشگیری از جرم، مازندران ص ۳۷

^۲ - شعاری نژاد، علی اکبر. (۱۳۸۲). فرهنگ علوم رفتاری، تهران: انتشارات امیر کبیر ص ۶۵

جلوگیری از بزهکاری و درمان آن به کار رفته است ولی غالباً نتایج چندان موفقیت آمیز نبوده است این روش های درمان چندان موفقیت گسترده ای نداشته است. مشاوره و روان درمانی، تحلیل متقابل، انجمن های درمانی، تعیین جا در پرورشگاه ها، برنامه های تفریحی، برنامه های آموزشی و شغلی، دفتر خدمات جوانان و ترکیبی از آن روش ها یا روش های دیگر (مثلاً بهداشت عمومی) البته غلب روش ها حتی آنهایی که ترکیبی از این روش هاست به نحو گسترده ای در مورد جوانان به کار رفته است که مشکلاتشان بسیار شدید بوده است. در واقع کارهایی که برای جوانان انجام شده هم ناچیز بوده است.

بخش دهم: عوامل روانی در بزهکاری

نوجوانان بزهکار خویشتن را افرادی نامطلوب می دانند و گرایش و تمایلی برای دوست داشتن، ارزش گذاری و احترام بخود ندارند عموماً افرادی آشفته، درهم، نامطمئن و متغیر هستند و از این رو پیشگیری ثانویه دارای اهمیت خاص و ویژه می گردد. روانشناسان می توانند افراد بزهکار آینده را در کودکی پیش بینی کنند اینان از مشکلات رفتاری، مشکل در تمرکز و مشکلات تحصیلی برخوردار بودند و اینگونه مشکلات در واقع بازتاب مشکلات عاطفی آنان است. و شیوه انضباطی به جای آنکه مبتنی بر استدلال باشد مبتنی بر تنبیه بدنی است. و الدین نسبت به فرزندان خود به جای آنکه گرم و صمیمی و عاطفی باشند، بی توجه، غافل و تمسخرکننده هستند

آشکار شده است که کودکان بزهکار رابطه بسیار ضعیفی با پدران خود داشته و آنها را به عنوان الگوهای غیرقابل پذیرش ارزیابی می کنند. خانواده های کودکان بزهکار اغلب فاقد پدر بوده یا پدر از خانه غیبت داشته و این در حالی است که بزهکاری با جدایی و طلاق در خانواده همبستگی دارد، با این حال باید توجه داشت که حداقل یک مطالعه نشان داده است بروز بزهکاری در خانواده های سالم از این نظر که هم پدر و هم مادر حضور دارند که کشمکش عاطفی شدیدی بین والدین وجود دارد، بالاتر از خانواده های تک والدین است که روابط گرم و صمیمانه ای بین والدین و کودک وجود دارد. تبعیض در خانواده و توجه بیشتر والدین به برخی از فرزندان و توجه کمتر نسبت به برخی دیگر سبب ایجاد عقده کسری و احساس نفرت و بدبینی در کودک می شود. پاره ای از روانشناسان معتقدند که ریشه اصلی جنایات و خشونت ها در جامعه اعمال خشونت و تنبیهات بدنی است که باعث ایجاد

عقده‌های روانی در آنان می‌شود.^۱ عوامل خانوادگی نیز می‌تواند موثر در این موضوع باشد خانواده که از سلامت بر خوردار است که پدر و مادر در خانواده رفتاری متناسب داشته باشند، بدین معنی که هیچکدام از آنها از وظایف خود نسبت به فرزندان‌شان رویگردان نباشند. خانواده نماینده روانی جامعه می‌باشد، هم معلول و هم علت پیدایش منش و رفتار می‌باشد. به محض متلاشی شدن خانواده، بزهکاری شروع می‌شود چه وجود خانواده عاملی است علیه بزهکاری. بدترین خانواده‌ها بهتر از نبودن آن است.^۲ فوت والدین-طلاق و جدایی والدین فرار فرزندان از خانه، سرقت، قتل، ضرب و جرح، گرایش به مسائل جنسی، اعتیاد و قاچاق مواد مخدر، خودکشی، ترک تحصیل و افت تحصیلی، عدم موفقیت در کسب مدارج عالی تحصیلی سوء نیت و بد بینی، تنگدستی، ولگردی، فحشا و اعمال منافی عفت از جمله عواملی هستند که تاثیر به سزایی در مطالعات پیشگیری‌های ثانویه دارا می‌باشد اختلاف والدین و سرزنش و خرده گیری دائمی، پرخاش و اصطکاک بین آنها است که آثار آنان متوجه سایر اعضاء خانواده و حتی بستگان آنها خواهد شد.

آنچه که مورد اختلاف والدین بیشتر جلب توجه می‌کند، علت اختلاف آنهاست که بین نابسامانی‌ها و نارسایی‌های موجود در خانواده می‌باشد. گاهی مشکلات خانواده‌ها منجر به قهر و حتی ترک یکی از والدین خانواده از محیط خانواده می‌شود. بنابر این ملاحظه می‌شود که اختلاف خانوادگی و ناسازگاری زن و شوهر با هم تاثیر مستقیم و نامطلوبی بر روی فرزندان گذاشته و غالباً آنها را به سوی ارتکاب جرم و یا خودکشی سوق می‌دهد. در چنین خانواده‌های پیشگیری ثانویه نمود می‌یابد

بخش یازدهم: پیشگیری کیفری از بزهکاری اطفال و نوجوانان در حقوق ایران

مجازات‌های جایگزین حبس را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد. دسته اول، جانشن‌هایی هستند که یا مربوط به چگونگی اجرای مجازات زندان می‌باشند مانند نظام نیم آزادی، زندان باز، حبس در منزل و کیفرهای پایان هفته ای و یا آنکه هدف از آن‌ها اجتناب از اجرای تمام یا قسمتی از حکم مجازات زندان می‌باشد مثل تعلیق و آزادی مشروط. دسته دوم، جایگزین‌هایی هستند که از مجازات حبس، منفک شده و به عنوان کیفرهای اصلی در هنگام صدور حکم، جانشین زندان می‌شوند مانند

^۱-پیشین ص ۶۷

^۲- نجفی ابرندآبادی، علیحسین، (۱۳۸۹) تفریبات درس جرم‌شناسی، دوره کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی ص ۸۶

جزای نقدی، اشتغال به کارهای عام المنفع، مجازات های سالب یا محدود کننده حقوق موارد مذکور و این نوع از مجازات ها هرچند بعد از وقوع جرم به بزهکار تحمیل می شوند ولی به علت سبک بودن مجازات می توان از آنها به عنوان عاملی ثانویه در پیشگیری مجدد از جرایم استفاده نمود

بند اول: جایگزین ها به عنوان مجازات اصلی و نقش آن در پیشگیری ثانویه

الف: سپردن طفل به والدین یا سرپرستان قانونی با الزام به تادیب

دادگاه اطفال و نوجوانان یا مقام صلاحیت دارپس از احضار والدین یا سرپرست قانونی طفل و نوجوان بزهکار، بعد از تشریح علت ارتکاب جرم^۱، ایشان را متوجه سهل انگاریشان در هدایت و تربیت طفل نموده و لزوم مراقبت در آموزش و پرورش، اوقات فراغت و رفع اختلافات و ایجاد تفاهم در محیط خانواده را متذکر و پس از اخذ تعهد نسبت به تادیب و تربیت و مواظبت در حسن رفتار، طفل را به اولیا یا سرپرست قانونی وی می سپارد. این تدابیر در مواردی اعمال می شود که جرم منتسب به بزهکار از جرایم مهم نباشد که نقش در پیشگیری از وقوع جرایم بعدی خواهد داشت و مشروط به این است که ابوبین، خود به علت عدم تربیت آنان. . . «اهمیت یا فساد اخلاقی، از نگهداری طفل محروم نشده باشند. در حال حاضر قانون مجازات اسلامی مقرر می دارد اطفال با نظر دادگاه به عهده والدین و عندالاقضا کانون اصلاح و تربیت می باشد

ب: سپردن طفل به خانواده مورد اعتماد

گاهی اوقات، محیط خانواده طفل بزهکار، آنچنان آلوده است که الزم می شود به جهت پیشگیری از وقوع جرم وی را از آن خارج کرد. بدین ترتیب سپردن طفل به شخص یا خانواده مورد اعتماد دیگر مطرح می گردد. در این روش پس از بررسی وضع خانوادگی بزهکار و اطمینان از ناپاک بودن آن باید محیط نو و سالمی را برای تربیت وی انتخاب کرد^۱.

ج: الزام به شرکت در کلاس های آموزشی و حرفه ای

^۱ - لواسور، ژرژ. (۱۳۷۲). «سیاست جنایی»، ترجمه: علی حسین نجفی ایراند آبادی، مجله تحقیقات حقوقی دانشگاه شهید بهشتی، ش ۱۱

^۱ - معظمی، شهاب، (۱۳۹۶) پیشگیری جرم شناختی، فصلنامه پژوهشی تحلیلی آموزشی مجده، تهران ص ۲۲

در خصوص جواز استفاده از این جایگزین به عنوان عامل پیشگیری ثانویه و برخی دیگر که مورد تصریح قانون نمی باشند بین قضات و حقوقدانان اختلاف حاصل شده است.

د: محرومیت ها و ممنوعیت های اجتماعی و حقوقی

این محرومیت ها انواع مختلف دارند. برخی ممنوعیت هایی هستند که هدف شان فقط سلب یک حق عمومی مصرح در قانون است که از این جمله می توان لغو گواهینامه رانندگی را نام برد. برخی دیگر از این محرومیت ها، بعضی حقوق اجتماعی ساده تر را ممنوع می کنند که نوع این حقوق توسط قاضی و با توجه به انگیزه های جرم و شرایط پرونده و جهت تنبیه بزهکار، تعیین میشوند در حقوق ایران به موجب قانون مجازات اسلامی، محرومیت از حقوق اجتماعی و اقامت در نقطه یا نقاط معین و منع از اقامت در نقطه یا نقاط معین و مانند آن، ماهیت مجازات های بازدارنده را یافته که خود از مجازات های اصلی در حقوق ایران هستند و به مجازات های تعزیری نزدیک می باشند. لذا قاضی دادگاه اطفال می تواند با توجه به وضعیت خاص طفل، مجازات حبس قانونی وی را به محرومیت از حقوق به عنوان یک کیفر جانشین، تبدیل نماید. این امر در جرایم تعزیری با موازین اسلامی نیز مطابق دارد چرا که در تعزیرات، تشخیص مصلحت توسط قاضی مطرح است.

ه: جزای نقدی

قانون گذار در قانون، میزان جزای نقدی را که بزهکار به آن محکوم می گردد به اشکال مختلفی تعیین می کند از جمله. جزای نقدی ثابت آن را به طور کلی و ثابت معین می کنند در این شیوه، این اختیار به قاضی داده شده است که با توجه به اوضاع و احوال و شرایط وقوع جرم و نیز وضعیت مالی و حرفه ای شخص مرتکب، جزای نقدی مناسب را از بین حداقل و حداکثر تعیین شده در قانون تعیین نماید که در نتیجه موجب افزایش اثر ارعابی و اصلاحی مجازات خواهد بود. امانوع دیگر جزای نقدی نسبی است که مقدارش بر اساس یک واحد مشخص تعیین می شود. فلسفه جزای نقدی متغیر یا نسبی این است که بزهکار را در تلاش برای کسب منفعت ناحق بیشتر، با تعیین جریمه ای بیش از عواید ناشی از جرم، ناامید کند لذا نوعی پیشگیری ثانویه محسوب می شود. جزای نقدی روزانه نوع دیگری از پیشگیری و جایگزین است این نوع سیستم جزای نقدی، جدیدترین شکل آن در قوانین کیفری کشورهای مختلف است. این سیستم بدو توسط کشورهای اسکاندیناوی ابداع

گرددیده است در مقررات پیش نویس تهیه شده برای قانون تشکیل دادگاه اطفال و نوجوانان نیز کیفر جزای نقدی برای نوجوانان ۹ تا ۱۲ و ۱۲ تا ۱۵ سال شاید به همان دلیل فوق، پیش بینی نشده اما برابر ماده ۳۱ این پیش نویس درباره نوجوانان ۱۵ تا ۱۸ سال در مورد جرایمی که مجازات قانونی آنها تا سه سال حبس یا مجازات دیگری غیر از حبس باشد، قاضی دادگاه اطفال و نوجوانان می تواند با جایگزین کردن جزای نقدی به جای حبس، حکم به پرداخت جریمه نقدی تا یک میلیون ریال بدهد.

بند دوم : نظام نیم آزادی

تفاوت این نوع بین اجرای روش های در محیط آزاد و زندان است. این روش برای عادت دادن محکومین به محیط آزاد اجرا می شود. در اجرای این روش، محکومین بدون نگاهبان در خارج از زندان به کار اشتغال دارند و شب ها پس از اتمام کار و در روزهای تعطیلی و بیکاری در زندان به سر می برند^۱.

بند سوم : تناسب جرم و مجازات

ضمانت اجرا به هر صورت که باشد، چه به صورت اقدام های آموزشی یا الزام های ویژه یا حبس، باید اصل تناسب آن با جرم، رعایت شود. اصل تناسب مجازات با جرم، در واقع، نوعی دستور کلی ناشی از تفسیر مضیق است برای اینکه مجازات صادره نسبت به جرم، بی تناسب نباشد.

اصل تفرید (فردی کردن) مجازات به معنی تطبیق واکنش و مجازات، متناسب با وضعیت و اوضاع و احوال شخص بزهکار است. حقوق کیفری ایران، در مورد اطفال و نوجوانان بزهکار، تفسیر کودک مدارانه یا تفسیر به نفع کودک را تبیین نموده اند. به عنوان مثال علاوه بر میزان سن، راهکاری عملی در اختیار قرار گرفته و بر اساس قانون مجازات جدید، قانون گذار تلاش کرده است با ملاک قرار دادن در جرایم دادگاه و قاضی را ملزم نماید تا برای کودکان از صدور مجازات های حدی چون قصاص خودداری کند و بر اساس این قانون به موجب حد یا قصاص هرگاه افراد بالغ کمتر از هجده سال، ماهیت جرم انجام شده یا حرمت آن را درک نکنند یا در رشد و کمال عقلی آنان شبه وجود

^۱ - میر خلیلی، محمود، (۱۳۸۵) پیشگیری وضعی از بزهکاری با نگاه به سیاست جنایی اسلام، رساله دکتری، دانشکده حقوق دانشگاه

داشت باشد، حسب مورد با توجه به سن آنها به مجازات های پیش بینی شده در این فصل محکوم خواهند شد

بخش دوازدهم: ضرورت دوری از برچسب زنی در اعمال پیشگیری ثانویه

مطابق با نظریه برچسب زنی، نوجوانان و جوانان به دلایل مختلفی ممکن است قانون را نقض نمایند. حال اگر رفتار مجرمان نوجوان توسط مدرسه یا مأموران قانون، کشف شود یک برچسب اجتماعی منفی به او اعطا خواهد شد که ممکن است در طول تمام زندگی همراهش باشد. باید برای اعمال پیشگیری های ثانویه توجه به حق مشارکت طفل و نوجوان در تعیین سرنوشت خویش مورد اهمیت ویژه قرار بگیرد

بخش سیزدهم: اصول غیر کیفری برای پیشگیری ثانویه از بزهکاری کودکان و نوجوانان

همبازی شدن با کودک و نوجوان، کودکان و نوجوانان از بازی و ورزش لذت برده و رشد می یابند و در عین حال لذت بردن، فرصت های خوبی را برای بیان احساسات و عواطف خود پیدا می کنند، احتراز از رقابت در جلب محبت فرزندان از دیگر عوامل پیشگیری ثانویه است وجود رابطه صمیمت میان والدین و فرزندان محیط خانه را به پناهگاهی عاطفی و امن برای فرزندان تبدیل می کند که آن ها می توانند در آن آرام گیرند، احساس امنیت کنند و به دنبال پناهگاه های دیگر نگردند. پناه بردن دوستی های ناباب بیشتر ناشی از فقدان روابط صمیمی میان والدین و فرزندان است.

نتیجه گیری

کودکان و نوجوانان، براساس فطرت انسانی خود به وجود آمده و اگر از این فطرت، عدول کرده، به سمت بزهکاری متوجه شود باید این رفتار را متوجه عواملی که در اطراف او وجود دارد دانست، در صدد اصلاح آن ها بر آمد. چرا که انسان، موجودی تربیت پذیر است و تلاش واندیشه والدین، مربیان و مسئولین برای ایجاد تغییر در این گروه از اطفال، موثر خواهد بود. علاوه بر این بر خلاف شخص

^۱ - نجفی ابرندآبادی، علیحسین، (۱۳۹۶) پیشگیری عادلانه از جرم؛ علوم جنایی، مجموعه مقالات در تجلیل از استاد دکتر آشوری،

بزرگسال که شخصیت او شکل گرفته است، صغیر، شخصیتی در حال تکوین دارد و لذا اصلاح وی سهل تر از فرد بزرگسال است. بنابراین نوع برخورد جامع با صغار بزهکار، اهمیتی فوق العاده می یابد و می تواند به گونه ای قاطع، سرنوشت ایشان را در آینده ای نه چندان دور رقم بزند و واکنش نامناسب و غیر منطقی، از آنان، بزهکارانی حرفه ای در آینده خواهد ساخت در حالی که واکنشی مناسب و شایسته، آنان را مجدداً به آغوش اجتماع باز خواهد گرداند و جامعه از آنان به عنوان افرادی شرافتمند استقبال خواهد کرد. بدین ترتیب، واکنش متخذه در برابر طفل باید از صورت تحمیل مجازات خارج شود و اصلاح و تربیت بزهکار را مورد نظر قرار دهد. قاضی اطفال باید این نکته را مد نظر داشته باشد که اولین قربانی و در بسیاری موارد، تنها قربانی بزهکاری نوجوان متخلف، خود او می باشد. اما به جهت ایرادات متعددی که از جهت انسانی و جرم شناختی بر مجازات سالب آزادی وارد است، این مجازات، نه تنها اثر اصلاحی در مورد بزهکاران نوجوان نخواهد داشت، بلکه آن ها را فاسدتر و ناسازگارتر میکند. البته حذف مجازات حبس و برچیدن موسسات بست نگهداری نیز ممکن نیست، اما در هر حال باید از این مجازات به عنوان آخرین چاره و برای کوتاهترین زمان ممکن استفاده کرد.

پیشگیری ثانویه کیفری، یکی از گونه های مختلف پیشگیری است که در مورد بهره گیری از آنها تئوری ها و نظرات مختلفی مطرح شده است. برخی اندیشمندان حوزه مطالعات جنایی به یکی از جنبه ها توجه بیشتری نشان داده و برخی نیز لزوم توجه به همه ابعاد آن را مورد تأکید قرار داده اند. اما با این همه با توجه به اهمیت بحث پیشگیری از بزهکاری کودکان و نوجوانان، طی سال های اخیر دستگاه های مسئول در کشور کوشش کرده اند با مطالعه و بهره مندی از تجربیات کشورهای دیگر، بخشی از فعالیت های خود را معطوف به اقدامات اجتماعی و فرهنگی پیشگیری از بزهکاری کودکان و نوجوانان نمایند. زیرا طی چند دهه ی اخیر اقدامات پیشگیری از بزهکاری کودکان و نوجوانان نسبت به اقدامات کیفری و درمانی و یا اصلاح مجرمین در کشورهای مختلف نتایج روشنتری بدنبال داشت و موجب کاهش هزینه های مادی و معنوی شده است. با این بیان آنچه که در این قسمت می توان به عنوان نتیجه گیری بیان داشت به شرح ذیل می باشد. در این پژوهش سعی گردید تا به عوامل پیشگیری ثانویه پرداخت شود لذا در پاسخ فرضیه اول پژوهش پیرامون پیشگیری ثانویه از بزهکاری اطفال و نوجوانان در حقوق کیفری، قوانینی خاصی وجود دارد می توان گفت در

حال حاضر، اکثر دادگاه ها، اطفال را به مجازات حبس محکوم می کنند. البته سال های اخیر، در ایران، احکامی در شرع به ویژه اطفال در خصوص استفاده از مجازات های جایگزین حبس، صادر گردیده که از زمان شروع و استفاده از این تدابیر، صدور چنین احکامی همواره دارای دو گروه موافق و مخالف بوده است. اگرچه استدلالات قانونی صادر کنندگان چنین احکامی و تایید کنندگان آنها قابل پذیرش است اما باید گفت که ایرادات وارده به این احکام قانونی نیز قابل توجه و تامل می باشد. معتقدیم که باید دید جرم شناسی قضیه را قوی تر کرده، صدور چنین احکام مفیدی را مورد حمایت قرار داد اما این امر، موجب چشم پوشیدن از وظیفه قانون گذار در تهیه متن قانونی مناسب و صریح نخواهد بود.

آزادی مشروط و مجازات هایی که به طور کلی از مجازات حبس، منفک شده و به عنوان کیفر اصلی، جایگزین زندان می شوند مانند جزای نقدی، خدمات عام المنفع و... با داشتن آثار مثبتی همچون جدا نکردن طفل از خانواده، پیشگیری از تکرار جرم و مجازات حبس و ممکن ساختن اصلاح وضع اخلاقی و تربیتی بزهکار، نیازمند بذل توجه خاص قانون گذار بوده، باید با تدوین قانونی مناسب، نسبت به اجرای آنها به جای مجازات سالب آزادی در مورد اطفال و نوجوانان بزهکار اقدام نمود. همچنین سیاست های پیشگیری در برنامه چهارم می توان گفت که بر اساس ماده ۹۷ برنامه چهارم محور و سیاست های پیشگیری از ارتکاب جرم شامل ارتقای سطح بهداشت روان، گسترش خدمات مددکاری اجتماعی، تقویت بنیان خانواده و توانمندسازی افراد و گروه های در معرض آسیب، گسترش سرمایه اجتماعی، توسعه و تمرکز بخشیدن حمایت های اجتماعی در نقاط آسیب خیز و بحران زای اجتماعی در بافت شهری و حاشیه شهرها، اصلاح برنامه های درسی دوره آموزش عمومی و پیش بینی آموزش های اجتماعی و ارتقای مهارت های زندگی، خدمات رسانی به افراد آسیب پذیر از طریق مشارکت اجتماعی، بازتوانی آسیب دیدگان اجتماعی و فراهم نمودن زمین بازگشت آن ها به جامع و تهیه طرح ملی مبارزه با مواد مخدر و روانگردان، پرورش عمومی قانونمداری و رشد فرهنگ نظم و احترام به قانون و آیین شهروندی و تأمین آزادی و امنیت لازم برای رشد شکل های اجتماعی در زمینه صیانت از حقوق کودکان و زنان می باشد. در رابط با نقش تربیت و آموزش های مناسب در خانواده و مدرسه در پیشگیری ثانویه از بزهکاری اطفال و نوجوانان می توان گفت متغیرهای آموزشی و خانوادگی از دیدگاه عوام اجتماعی رشد مدار از جمله عوامل

پیشگیری کننده هستند. براین اساس باید تاکید کرد اولین نهادی که میتواند در انتقال ارزش‌های اجتماعی به اعضای جدید جامعه موثر باشد، خانواده است. در این گروه کوچک اجتماعی کودک ارزش‌های اجتماعی را در قالب رفتار، گفتار و عملکرد پدر و مادر و به طور کلی سبک زندگی خانوادگی را یاد می‌گیرد. اما از آنجایی که اصولاً ممکن است پدر و مادر در زمینه تعلیم و تربیت متخصص نباشند و شاید حتی خود پدر و مادر طفل ارزش‌های اجتماعی را ندانند یا به آنها عمل نکنند و یا شخصیت آنان یک شخصیت ساخته شده و کاملی نباشد که عمدتاً همه خانواده‌ها در جامعه ما اینگونه هستند، بزرگ می‌شوند، به سن ازدواج می‌رسند و ازدواج می‌کنند و اسمشان پدر و مادر می‌شود، بدون اینکه از توانایی لازم برای پدر و مادر بودن برخوردار شوند. یعنی قابلیت و مهارت‌های لازم برای پدر و مادر بودن را آموزش ندیده‌اند. همچنین در مورد خانواده باید گفت ایجاد روابط صمیمی میان والدین در خانواده کمکی است به کودکان و نوجوانان تا بتوانند مشکلات خود را صادقانه با والدین در میان بگذارند و مجبور نباشند به محیط خارج از خانه پناه ببرند. همچنین تأمین نیازهای مادی و معنوی در این جا باید مورد توجه قرار گیرد اگر کودکان در این مورد دچار کمبود باشد به سرکشی و ستیزه جویی پناه می‌برد. همچنین آموزش و پرورش مناسب در راستای پیشگیری از بزه یکی از محورهای اصلی می‌باشد، چون فرآیند جامعه پذیری فرد از محیط خانه و خانواده آغاز می‌شود و در محیط مدرسه تکامل می‌یابد. به این ترتیب در مورد این مطالب که مدرسه در جامعه پذیری کودکان و آموزش مهارت‌های زندگی، توسعه دانایی، گسترش آگاهی و تقویت احساس مسئولیت افراد و همچنین پیشگیری ثانویه از بزهکاری و مهار آن نقش ساختاری دارد، تردیدی وجود ندارد. آموزش و پرورش هم این وظایف را دارد که ارزش‌های اجتماعی را به کودکان و نوجوانان منتقل کند. شاید مهمترین اثر آموزش و پرورش مطلوب، یعنی آموزش و پرورشی که مشارکت و تفکر انتقادی را در کودک تقویت کند و با ارزش‌های مربوط به شأن و شرف آدمی عجین شده باشد، این قدرت را دارد که جامعه‌ها را در طول نسلی واحد دگرگون سازد. به علاوه تأمین شدن حق هر انسان در بهره‌مندی

از تعلیم و تربیت موجب محافظت او از خطرهای گوناگون می‌شود. بالا بردن سطح آگاهی مردم، گسترش خدمات بهداشتی، منع رفت و آمد به مراکز فساد، کنترل برنامه‌ها و افزایش وسایل تفریحی، وضع مقررات به منظور جلوگیری از ولگردی، تعیین ضوابطی برای جلوگیری

از انحراف، سلب ولایت قهری از والدین غیر صالح، تحصیل تعلیمات برای رشد ذهنی کودکان و نوجوانان، و ایجاد مؤسسات راهنمایی و تربیتی با استفاده از روان پزشکی، روان شناس، مشاور و مددکار اجتماعی برای مشاوره والدین و نوجوان و همچنین تاسیس پلیس و دادگاههای نوجوانان در چارچوب سیاست های پیشگیری آموزشی و تربیتی از جمله برنامه های پیشگیری ثانویه قلمداد می گردد.

پیشنهادهات

۱- توجه بیشتر به سازمان های مردم نهاد در زمین کودک آزاری و اینکه این سازمان ها

حق حضور در جلسات آموزشی مدارس را داشته باشند

۲- با توجه به اینکه امروزه کودکان و نوجوانان بیشتر اوقات روزانه خود را در مراکز آموزشی از جمله مدرسه و آموزشگاه ها میگذرانند و به نوعی مدرسه جایگزین نهاد خانواده شده و نقش محوری در تعلیم و تربیت کودکان و نوجوانان به عهده دارد، لذا به نظر میرسد اجرای برنامه های تربیتی و اعمال سیاست های پیشگیرانه به عنوان یکی از محورهای اساسی در آموزش و پرورش است

۳- اشاعه و تقویت هرچه بیشتر ایمان و معنویات در جامعه باید روح عقیده و ایمان را در نوجوانان زنده کرد و از طریق رشد و پرورش ایمان نوجوان میتوان فضیلت بوجود آورد و از این طریق پیشگیری ثانویه را اعمال نمود.

منابع و مآخذ

- ۱- بیات، بهرام. (۱۳۸۸). جامعه‌شناسی احساس امنیت، تهران: انتشارات امیرکبیر
- ۲- پیکا، ژرژ. (۱۳۷۶). جرم‌شناسی، ترجمه: علی حسین نجفی ایرند آبادی، تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی
- ۳- پیکا، ژرژ (۱۳۸۶). «جرائم و شهرنشینی»، ترجمه: عزیز طوسی، ماهنامه دادرسی، ش ۲،
- ۴- پرویزی، رضا، (۱۳۸۱) پیشگیری وضعی و نقش آن در پیشگیری از قتل؛ پایان نامه کارشناسی ارشد؛ دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز
- ۵- حسنی، مرتضی. (۱۳۷۵). دوره حقوق جزای عمومی، ج ۲، تهران: گنج دانش.
- ۶- خانعلیپور واجارگاه، سکینه، (۱۳۹۰) پیشگیری فنی از جرم، میزان، چاپ اول، .
- ۷- رجبی‌پور، محمود. (۱۳۸۲). «راهبرد پیشگیری اجتماعی از جرم»، فصلنامه دانش انتظامی، سال پنجم، شماره دوم
- ۸- دهخدا، علی‌اکبر. (۱۳۳۰). لغتنامه فارسی، ج ۱۳، تهران: انتشارات گلشن
- ۹- شاکری، ابوالحسن. (۱۳۸۲). «قوه قضاییه و پیشگیری از وقوع جرم»، مجموعه مقالات پیشگیری از جرم، مازندران
- ۱۰- شعاری‌نژاد، علی‌اکبر. (۱۳۸۲). فرهنگ علوم رفتاری، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- ۱۱- قریشی، سید علی‌اکبر. (۱۳۶۱). قاموس قرن، تهران: انتشارات حیدری.
- ۱۲- عبدی، توحید. (۱۳۸۳). «تبیین رویکرد جامعه محوری پلیس»، فصلنامه دانش انتظامی، شماره چهارم،
- ۱۳- عسگری‌پور، صلاح. (۱۳۸۸). «سیستم پلیس در ایالات متحده»، روزنامه وطن امروز، ش ۱۳۲.

- ۱۴- صفاری، علی، (۱۳۹۴) مبانی نظری پیشگیری وضعی از جرم، مجله تحقیقات حقوقی دانشگاه شهید بهشتی، شماره های ۳۳-۳۴.
- ۱۵- کوچکی، محسن. (۱۳۶۸). «امنیت دسته جمعی»، پایان نامه کارشناسی ارشد معارف اسلامی و علوم سیاسی، دانشگاه امام صادق (ع).
- ۱۶- لواسور، ژرژ. (۱۳۷۲). «سیاست جنایی»، ترجمه: علی حسین نجفی ابرند آبادی، مجله تحقیقات حقوقی دانشگاه شهید بهشتی، ش ۱۱ و ۱۲.
- ۱۷- معظمی، شهاب، (۱۳۹۶) پیشگیری جرمشناختی، فصلنامه پژوهشی تحلیلی آموزشی مجد، تهران.
- ۱۸- میرخلیلی، محمود، (۱۳۸۵) پیشگیری وضعی از بزهکاری با نگاه به سیاست جنایی اسلام، رساله دکتری، دانشکده حقوق دانشگاه تهران.
- ۱۹- نجفی ابرندآبادی، علیحسین، (۱۳۸۷) بزهکاری و پلیس محلی مجله تحقیقات حقوقی دانشگاه شهید بهشتی، شماره های ۲۶-۲۵.
- ۲۰- نجفی ابرندآبادی، علیحسین، تقریرات درس جرمشناسی پیشگیری، دوره‌ی دکتری دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۷۹.
- ۲۱- نجفی ابرندآبادی، علی حسین، (۱۳۹۶) پیشگیری عادلانه از جرم؛ علوم جنایی، مجموعه‌ی مقالات در تجلیل از استاد دکتر آشوری، سمت.
- ۲۲- نجفی ابرندآبادی، علیحسین، (۱۳۹۲) تقریرات درس جرمشناسی، دوره‌ی کارشناسی ارشد، مجتمع آموزش عالی قم.
- ۲۳- نجفی ابرندآبادی، علیحسین، (۱۳۸۴) تقریرات درس جامعه‌شناسی جنایی، دوره کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی.

